



عادل جلیلی، استاد پژوهش، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران.
پست الکترونیک: Jalili@rifr-ac.ir

تغییر اقلیم، فضای مجازی، پدیده جهانی شدن و روند توسعه کشور

چرا این قدر دیر متوجه میزان تأثیرگذاری این فضا در نسل جوان متولد دهه هشتاد شده‌اند تا آن را کنترل یا محدود کنند. نتایج این نوع رویکرد و نگرش، نوعی خودتحریمی و محروم کردن کشور و ظرفیت نسل جوان از زیرساخت‌های این فناوری و نیز کاهش دسترسی به دنیای بی‌کران دانش و اطلاعات است که موتور محرکه توسعه کشورها به‌شمار می‌رود. درحالی‌که در دنیای جهانی‌شده امروز، ایجاد همگرایی ملی و هویت‌پروری، جلب اعتماد و اطمینان عمومی، نتیجه و برآیند مجموعه‌ای از فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و ایجاد محدودیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در این ارتباط نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد. همچنین، مشخص نبودن آینده ممکن دنیای مجازی و ظرفیت آن، نوعی بدفهمی از ظرفیت این فضا در مسیر توسعه کشور است، به‌طوری‌که دنیای فضای مجازی در آینده نزدیک، دنیای غالب و جهانی‌شده است و قدرت مانور در چهارچوب مرزهای ملی بسیار محدود خواهد شد، ایجاد محدودیت، تنها نوعی مزاحمت و مانع در مسیر تحول، تکامل و توسعه جامعه خواهد بود و چه بسا ایجاد محدودیت در آن ممکن نخواهد بود. پدیده جهانی‌شدن از فرصت‌های عظیمی برخوردار است و هم دارای تهدیدهای جدی است، امکان گذر از این پدیده، با نادیده گرفتن آن ممکن نیست. ظرفیت جهانی‌شدن غیرقابل تصور است، به‌طوری‌که با شناخت عمیق و استفاده از ظرفیت آن می‌توان آن را به بستر توسعه یک کشور تبدیل کرد، یا به علت نبود شناخت صحیح، در آن گم شد، یا به‌خاطر ترس از گم‌شدن، شرایطی را همچون شرایط حاکم در کره شمالی ایجاد کرد. هر کشور در مسیر توسعه نیازمند اتاق‌های فکر لازم برای شناخت درست این پدیده‌ها، استفاده از ظرفیت‌های آنها و به‌کارگیری درست آنها برای آماده کردن جامعه با هدف نقش‌آفرینی در مقیاس جغرافیایی منطقه‌ای و جهانی است.

سه پدیده تغییر اقلیم، جهانی شدن و فضای مجازی نقش مهمی در تعیین مسیر توسعه کشورها ایفا می‌کنند، با اینکه متغیرهای مستقل از هم هستند، یا پیدایش و ظهور تاریخی آنها متفاوت است، اثر متقابل بر یکدیگر دارند و در فرایند توسعه، در ذیل ماتریس متغیرهای اثرگذار قرار می‌گیرند. بنابراین، رفتار منفعلانه در مواجهه با هر کدام از این پدیده‌ها، یا بد فهمیدن آنها، یا نگرستن به آنها تنها از بعد سخت‌افزاری، کشور را با چالش روبه‌رو می‌کند. مقیاس برخورد با این پدیده‌ها متفاوت است، به‌طوری‌که، ظرفیت ملی در چهارچوب نقش جهانی آنها، فعال و اثرگذار می‌شود، به بیان ساده، پرداختن به این پدیده‌ها، تنها در چهارچوب ملی و در شرایط ایزوله، عقیم و شاید هم ناکارآمد خواهد بود. ظهور پدیده تغییر اقلیم، نتیجه حداقل دو قرن هم‌افزایی توسعه ناپایدار بشر در مقیاس جهانی و نیازمند همگرایی جهانی برای مدیریت و کنترل آن است، کشورها به‌تنهایی نمی‌توانند در کنترل این پدیده موفق باشند، بی‌توجهی کشورها به همگرایی، رفتارها و تصمیم‌های جمعی جهانی نیز می‌تواند در شکست حرکت جمعی کشورها سهم زیادی داشته باشد، به‌ویژه در کشورهایی نظیر ایران، که سهم زیادی در تولید گازهای گلخانه‌ای، یا امکان تأثیرپذیری بیشتری دارند. ایران جزو هشت کشور تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای است و با توجه به استقرار آن در کمربند خشک کره زمین و نیز جغرافیای گذر از منطقه نیمه‌حاره به منطقه معتدله از تأثیرپذیری بیشتری برخوردار است، به‌طوری‌که افزایش ۱/۲ درجه‌ای میزان متوسط حرارت، در عمل، آورد آبی کشور را ۳۰ درصد کاهش داده است. بنابراین، هم باید در مقیاس جهانی نقش فعال داشته باشد و هم از ظرفیت جهانی به‌عنوان فرصتی مناسب به‌خصوص در امر فناوری استفاده کند. به‌عبارت‌دیگر، مشارکت در همگرایی جهانی یک همکاری برد-برد است. پدیده فضای مجازی هم از همین بستر و فرایند تبعیت می‌کند و شاید هم بسیار پیچیده‌تر از پدیده تغییر اقلیم باشد. به همین دلیل ممکن است کشور در برخورد با این پدیده و در تشخیص ظرفیت‌ها و فرصت‌های آن از یک سو و تعریف و شناسایی تهدیدهای آن از سوی دیگر، دچار بدفهمی، کج‌فهمی یا دیرفهمی باشد. مثال خوب در این ارتباط، برخورد متناقض در نقش این پدیده در شکل‌گیری فرهنگ رفتاری نسل جوان است، بسیاری از افراد در سیستم تصمیم‌گیری کشور، دچار حسرت هستند که